

افغانستان: تهدیدی از جنوب برای روسیه

اوو هالباخ^۱

در اگوست ۱۹۹۸ طالبان توانست با سلطه بر مزار شریف و عقب‌راندن جبهه شمال به بزرگترین پیروزی‌های خودش در افغانستان دست یابد. به این ترتیب طالبان تا مرزهای کشورهای CIS با افغانستان پیش رفت. در سکو و سایر پایتخت‌های کشورهای آسیای مرکزی در مقابل این رویداد عکس‌العمل‌هایی برای حفظ امنیت مرزهای جنوبی کشورهای آسیای مرکزی و کل منطقه نشان داده شد. به این ترتیب آنچه مهم بود، احتمال تهاجم طالبان به کشورهای دیگر تحت لوای گسترش اسلام بود. با این وجود تاکنون اقدام خصمانه‌ای از طرف کشورهای مشترک‌المنافع علیه طالبان صورت نگرفته است. در حالی که دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان با روسیه وحدت‌نظر تنگ‌تری دارند، ترکمنستان هرگونه اتحاد نظامی با روسیه را رد کرده و بر موضع بیطرفی تکیه کرده است. بحران بزرگ مالی و سیاسی برای روسیه به گونه‌ای است، که بعید به نظر می‌رسد، بتواند از این فرصت پیدا شده و زنگ خطر که در مرزهای جنوبی نواخته شده‌اند، برای محکم‌کردن وحدت و موقعیت خود با کشورهای آسیای مرکزی استفاده کند.

مؤسسه مطالعات شرق‌شناسی و بین‌المللی آلمان که تاکنون تحقیقات و تحلیل‌های فراوانی از مهمترین رویدادهای جهانی را عرضه کرده است، در سپتامبر ۱۹۹۸ در شماره ۳۷ تحلیل مسائل مهم روز خود به موضوع افغانستان با شرایط کنونی آن به‌عنوان «تهدیدی از جانب جنوب برای روسیه» پرداخته است.

مراکز علمی و تحقیقاتی آلمان بخصوص در سالهای اخیر مطالعات گسترده‌ای را درباره افغانستان انجام داده‌اند، که متأسفانه بخش اندکی از آنها در دسترس ما است، از جمله

۱. اوو هالباخ Uwe Halbach از محققان مؤسسه مطالعات شرق‌شناسی و بین‌المللی آلمان (Bundesinstitut für ostwissenschaftliche und internationale Studien) است. این نوشته مورخ ۴ سپتامبر ۱۹۹۸ می‌باشد که توسط آقای احمد لواسانی از متن آلمانی به فارسی ترجمه شده است.

دو جلد کار تحقیقی است که اخیراً درباره افغانستان و آسیای مرکزی توسط دو نفر از محققان آلمانی سرانجام یافته و توسط بنیاد علم و سیاست، مؤسسه تحقیقاتی مطالعاتی سیاست و امنیت بین‌المللی منتشر شده است.

شاید امروز یکی از بهترین و سهل‌الوصول‌ترین راهها برای دستیابی به منابع وسیع تحقیقاتی، در هر زمینه‌ای، حضور کارشناسان و محققان در مراکز تحقیقاتی و در کشورهای است که امکانات علمی و تحقیقاتی خود را از گذشته به گونه‌ای تخصصی در هر زمینه‌ای بسیج کرده‌اند. در تحلیل و گزارشی که مؤسسه شرق‌شناسی آلمان تحت عنوان: روسیه «تهدیدی از جانب جنوب» منتشر کرده است، ابتدا براساس یک ضابطه که در انتشارات این مؤسسه ویژه وجود دارد، به تلخیص از نکات برجسته گزارش پرداخته و بعد از آن به‌طور تفصیلی رویدادهای افغانستان تشریح شده است.

در آگوست ۱۹۹۸ طالبان توانست با سلطه بر مزارشریف و عقب راندن جبهه متفرق شمال به بزرگترین پیروزی‌های خود از آغاز، در افغانستان دست یابد. به این ترتیب طالبان تا مرز کشورهای مستقل مشترک‌المنافع با افغانستان پیش رفت.

در مقابله با این رویداد جدید، در مسکو و سایر پایتخت‌های آسیای مرکزی عکس‌العمل‌هایی برای حفظ امنیت مرزهای جنوبی کشورهای آسیای مرکزی با افغانستان و اصولاً کل منطقه نشان داده شد.

به این ترتیب آنچه که در درجه اول اولویت قرار داشت، احتمال تهاجم طالبان به کشورهای دیگر تحت لوای گسترش اسلام بود و چون چنین تهاجمی از طرف طالبان به کشورهای همجوار تاکنون انجام نپذیرفته است، اقدام خصمانه متقابلی هم از طرف کشورهای مستقل مشترک‌المنافع علیه طالبان صورت نگرفته است.

در مقابله با طالبان، دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان با روسیه همسویی و وحدت‌نظر تنگ‌تری دارند، در حالی که ترکمنستان بر موضع بیطرفی تکیه کرده و هرگونه اتحاد نظامی با روسیه را رد کرده است. البته شرایط برای روسیه به گونه‌ای است که بعید به نظر می‌رسد، بتواند از این فرصت پیدا شده و زنگ خطری که در جنوب به صدا درآمده است بهره‌برداری کند، زیرا بحران بزرگ مالی و سیاسی روسیه را تهدید می‌کند. منظور از فرصت



پیدا شده برای روسیه، تهدید طالبان است که روسیه را در محکم کردن وحدت و موقعیتش با کشورهای آسیای مرکزی کمک می‌کند.

حاکمیت طالبان و امنیت مرزهای جنوبی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع

از سال ۱۹۹۶ که طالبان توانست سلطه خود را در کابل مستقر کند و جبهه شمال را که توسط ایران و روسیه حمایت می‌شد مورد فشار قرار دهد و مجبور به عقب‌نشینی کند، در مسکو و کشورهای آسیای مرکزی و بخصوص در ازبکستان زنگ خطر به صدا درآمده است. تابستان ۱۹۹۶ بود که پریماکف وزیر خارجه وقت روسیه، به تهدیدات موج بنیادگرایی از افغانستان اخطار داد، موجی که نه تنها تاجیکستان بلکه سراسر کشورهای آسیای مرکزی هم‌پیمان با روسیه را تهدید می‌کند. یک‌چنین تصویری از طالبان نشانگر آن بود که طالبان خود را تنها به حاکمیت در افغانستان محدود نخواهد کرد، بلکه در صدد توسعه طلبی به نام اسلام در کشورهای دیگر می‌باشد. اظهاراتی مبنی بر اینکه سمرقند و بخارا را آزاد خواهیم کرد، بدبینی و تحریکات را تشدید کرد. عنصر مرکزی و مهم این احساس تهدید را بایستی در الام و دردهایی که از تشنجات داخلی تاجیکستان پیدا شده بود، جستجو کرد. مطمئناً مرز حساس برای امنیت سیاسی کشورهای آسیای مرکزی مابین تاجیکستان و افغانستان قرار دارد، مابین دو کشوری که هر دو آنها به دلیل حوادث و رویدادهای داخلی و تنشها و تشنجات صدمات بسیاری خورده‌اند یا این تفاوت که در تاجیکستان با قرارداد صلح ۱۹۹۷ و مشارکت مخالفین در حکومت، تنش تا حدودی فروکش کرده است. همچنین مرز ازبکستان و افغانستان که در مقایسه با طول سایر مرزهای افغانستان با کشورهای آسیای مرکزی نسبتاً کوتاهتر است، با تهاجم طالبان و نزدیک شدنش به مرزهای شمال امر مهمی تلقی شد و محوریتی برای اجرای ضوابطی جهت حفظ و حراست امنیت مرزی مورد توجه قرار گرفت.

اما ترکمنستان برخلاف سایر کشورهای آسیای مرکزی، نه تنش را با رویداد جدید طالبان در افغانستان دارد و نه نگرانی از توسعه اسلام‌خواهی در کشور همسایه خود افغانستان احساس می‌کند. ترکمنستان عملاً هم با ایران و هم با طالبان رابطه دارد.



مرز بین این کشورهای جدیدالتأسیس آسیای مرکزی با افغانستان، در حقیقت جدایی و تفکیک بین اقوام یک قوم و نژاد است.

افغانستان متشکل از بیش از بیست ملیت است که عملاً به دلیل داشتن خصوصیات منطقه‌ای نمی‌توانند دارای یک افغانستان واحد با همگرایی ملی حکومتی باشند. بعضی از این نژادهای بزرگ نظیر تاجیکها، ازبکها و ترکمنها در کشورهای همسایه آسیای مرکزی از یک همسویی و انطباق با مظاهر ملی آنها برخوردارند. سقوط افغانستان و تجزیه آن در قالب نژادهای مختلف مسلماً امنیت کشورهای آسیای مرکزی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

موضوعی را که بایستی به آن اشاره کرد، عبارت از آن است که با وجود سلطه قدرت طالبان بخصوص در برخورداری از کمکهای پاکستان و عربستان و دستیابی‌های آن به اهداف نظامی، هنوز سلطه واقعی و تحکیم حکومت طالبان در افغانستان مسلم نیست. درگیری‌ها ادامه دارد و اتحاد شمالی به جنگهای پارتیزانی روی آورده‌اند. هرچند طالبان در قلمرو قدرت خود توانسته است نظامی متحجرانه و خشن حاکم کند، اما تاکنون توفیقی در زمینه مدیریت کشوری نداشته است.

عکس‌العمل در قبال تهاجمات جدید طالبان

وزارت امور خارجه و وزارت دفاع روسیه در بیانیه‌ای که در آگوست ۱۹۹۸ در رابطه با ادامه درگیری‌ها در افغانستان صادر کردند، نگرانی عمیق خودشان را نسبت به امنیت کشورهای آسیای مرکزی و مرزهای جنوبی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع اعلام داشتند.

در این موضعگیری وزارت دفاع روسیه نسبت به وزارت امور خارجه برخوردی به مراتب محتاطانه‌تر داشت. آقای پاستوچوف^۱ معاون وزیر امور خارجه روسیه اعلام کرد، در صورتی که مامورد تجاوز قرار بگیریم، حق خودمان می‌دانیم که همه راههایی را که منتهی به تقویت



امنیت مرزهایمان می‌شود با هماهنگی با کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و قراردادهای فی‌مابین که بیانگر حراست از امنیت همگانی است و در ۱۵ مه ۱۹۹۲ در نظر گرفته شده به مرحله اجرا درآوریم. اینها کلمات تو خالی نیستند که در روی کاغذ آمده باشند. آنجایی که پای مصالح و امنیت ملی در کار باشد و امنیت مرزهایمان به خطر بیفتد، با اقتدار اقدام می‌کنیم. البته روسیه در نظر ندارد که دست به یک اقدام نظامی در افغانستان بزند، اما تقویت حضور نظامی و اعمال برنامه‌هایی برای حراست از مرزهای تاجیکستان را مورد نظر دارد. آقای پاستوچوف انتقاداتی را هم به جبهه شمالی و درگیری‌های درون‌گروهی آن، که منجر به تهاجم طالبان شد، می‌کند.

او در یک سخنرانی دیگر اظهار می‌کند که طالبان تنها متشکل از عوامل مهاجم اسلام‌گرای بنیادگرا نیستند بلکه در میان آنها عوامل سودمند و برنامه‌ریز و واقع‌گرا هم پیدا می‌شوند. پاستوچوف نشان می‌دهد که با این اظهارات اخیر در جستجوی پیدا کردن ضوابطی برای صلح در افغانستان است. پاستوچوف بشدت پاکستان را مورد انتقاد قرار می‌دهد و موفقیت‌های اخیر طالبان را مرهون حمایت‌های مستقیم نظامی از جانب پاکستان می‌داند. او اشاره می‌کند که اسلام‌آباد در همه برنامه‌ها و در فراهم آوردن همه امکانات و حتی حضور در جبهه‌های نبرد با ۱۵۰۰ سرباز و شکاری بمب‌افکن^۱ از فرودگاه نظامی پیشاور دخالت و همکاری مستقیم داشته است.

البته این اظهارات از طرف پاکستانی‌ها تکذیب شد و در محافل مطبوعاتی غربی هم غیرمحمتمل تشخیص داده شد، اما حمایت پاکستان از طالبان غیرقابل تردید است. در ارتباط با تهاجم طالبان، دستگاه‌های تبلیغاتی روسیه و آسیای مرکزی به کرات صحبت از سازوکارهای امنیت همگانی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع می‌کنند که در قرارداد امنیت دسته‌جمعی منعکس است. تشکیلات هماهنگ‌کننده سازمان تأمین امنیت همگانی نمایندگان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را برای تحکیم مواضع به مسکو دعوت کرد. در حال حاضر آنچه که به آن تکیه شده، تحکیم و تثبیت بین این کشورها است و نه درباره ضوابط و معیارهای مشترک که بایستی مراعات شود.



روزنامه «ایزوستیا» ۱۱ آگوست حضور نظامی روسیه در آسیای مرکزی و در مقابله با مهاجمین بنیادگرای طالبان را ناکافی دانسته است. مسکو بر این امر که بایستی بین همه گروههای افغانی روند یک صلح پایدار و با مشارکت سازمان ملل متحد و بدون دخالت خارجی انجام شود، تأکید می‌ورزد.

البته این یک نظریه ذهنی است، زیرا تنوع حضور و دخالت بیگانگان از جمله روسیه و کشورهای مستقل آسیای مرکزی در موضوع افغانستان کاملاً مشهود است. در این درگیری و رویارویی طالبان از حمایت گسترده پاکستان و عربستان برخوردار است و جبهه شمال هم از حمایت روسیه و ایران برخوردار است.

خبرگزاری‌های بین‌المللی در جریان تهاجم گسترده طالبان خبر از کمکهای فراوان روسیه و کشورهای آسیای مرکزی و ایران به جبهه شمال دارند. همچنین در اواخر آگوست، تهران عکس‌العمل روشنی را علیه افغانستان که مواد مخدر را از مرزهای غربی ایران عبور می‌داد نشان داد و بیش از ۷۰ هزار سرباز و سپاهی را به منظور برپایی مانوری در مرز با افغانستان تجهیز کرد. مسکو هرگونه کمک نظامی خود را به گروههایی که در جنگ افغانستان شرکت دارند، تکذیب کرد و احمد شاه مسعود در یک مصاحبه مدعی شد که تسلیحات دریافتی او از طریق روسیه از جانب حکومت نیست بلکه عمدتاً از کانالهای مافیایی تهیه می‌شود. مفسرین آمریکایی معتقدند که کانال اصلی تجهیزات نظامی گروههای رقیب طالبان بازارهای بین‌المللی اسلحه است، اما این گروهها از مساعدت و حمایت مستقیم روسیه و ایران برخوردارند. برخورد و رفتار خصمانه روسها در مقابل طالبان متفاوت است. مثلاً فِراکسیون لیبرال دموکرات مجلس روسیه (دوما) به رهبری شیرین ووسکی^۱ به وزیر امور خارجه روسیه توصیه کرده است که رفتار سیاسیش در افغانستان در قبال صاحبان قدرت را با دوراندیشی و احتیاط ملازم کند. زیرا امروز جنبش طالبان بر علیه روسیه تدارک دیده نشده، همچون گذشته که جهاد علیه اشغال شوروی تدارک دیده شده بود.

روسیه با تکرار اشتباه سال ۱۹۷۹ و با حمایت از جبهه شمال، در نهایت طالبان را



با تأخیر بسیار و زیان فراوان به رسمیت خواهد شناخت. دیگران هم مسکو را از یک سیاست واحد در مقابل افغانستان برحذر می‌دارند، همان‌طوری که مدیر مرکز استراتژی و مطالعات بین‌المللی رفتار خصمانه روسها را در قبال طالبان، اشتباهی بزرگ می‌داند.

واکنش کشورهای آسیای مرکزی

عکس‌العمل کشورهای آسیای مرکزی عضو کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در قبال طالبان بخصوص تهاجم آنها در سال گذشته متفاوت بوده است. سخت‌ترین مواضع را تاجیکستان دارد و نزدیکترین همکاری را هم در این زمینه تاجیکستان با روسیه دارد. حساسیت‌های شدیدی که در دوشنبه دیده می‌شود، با روابط انسانی و مسائل نظامی مرتبط است و فراریان افغانی در اوج حساسیت قرار دارند. حکومت هم اردوگاه‌های پناهندگان را برپا کرده است. در بیانیه‌های روسیه از سیل مهاجرین افغانی که امکان کنترل آنها نیست خبر داده می‌شود. یک فرستنده رادیویی در مشهد خبر از سیل مهاجران ده‌هزار نفری افغانستان به سوی تاجیکستان را می‌دهد.

در ۱۴ اگوست نخست‌وزیر قزاقستان نظربایف در ملاقاتی با خرازی وزیر امور خارجه ایران در پایتخت جدید قزاقستان اظهار امیدواری کردند که یک ائتلاف فراگیر در کابل انجام پذیرد و همه گروهها و نژادها حکومت موقت‌های را تشکیل بدهند، خواستی که روسیه و سایر کشورهای آسیای مرکزی خواهان آن هستند اما با حقیقت فاصله دارد. قزاقستان تا به حال در ارتباط با بنیادگرایی طالبان و تهدید امنیت کشورهای آسیای مرکزی سکوت کرده است. مثلاً فتنه «وهابیت» که در سال ۱۹۹۸ به‌عنوان مهمترین مسئله امنیتی و سیاسی مذهبی ازبکستان درآمده بود در قزاقستان محلی از اعراب ندارد. در سالهای اخیر حتی اعتراضاتی بر علیه فعالیت گروههای اسلامی در قزاقستان صورت پذیرفت. خبرگزاری ایتار تاس به تازگی خبری منتشر کرده بود مبنی بر اینکه سخنگوی شورای امنیت ملی خبر از فعالیت هیأت‌های مذهبی خارجی در انتشار و توسعه اسلام بنیادگرا داده است. حتی صحبت‌هایی از فعالتهای یک گروه مذهبی مصری - سودانی و اردنی وجود داشت. در قزاقستان یک سمینار مذهبی برپا شده بود که در آن خواستار تغییر قانون اساسی شده بودند. علاوه بر این اطلاعاتی در اختیار است که در



خارج از قزاقستان افرادی با گذراندن دوره‌های تحصیلی در رشته‌های مذهبی با بازگشت خود به قزاقستان جوانان را به سوی گروههای تندرو جذب می‌کنند.

قرقیزستان ضوابط امنیتی خود را در مرزهایش با تاجیکستان تقویت کرده است. معاون وزیر دفاع قرقیزستان (اسماعیل ایزاکف) این اقدام را در راستای بازدارندگی از تصادم نیروهای نظامی دو کشور دانسته است. البته به سختی می‌توان باور کرد که مهاجرین از افغانستان راهی قرقیزستان شوند. تجاوز مرزی از افغانستان به کشورهای آسیای مرکزی هم‌مرز معنی وسیع و گسترده‌ای دارد و آن اعلان جنگ است که با عکس‌العمل مشترک کشورهای مستقل مشترک‌المنافع روبه‌رو خواهد شد.

کریم اف رئیس‌جمهور ازبکستان از شرایط پیش‌آمده در افغانستان استفاده کرد تا نیروهای نظامی ازبک را تقویت کند. او در یک مصاحبه با خبرنگاران اعلام داشت: از نیروهای خودی در حفاظت از جمهوری ازبکستان استفاده خواهیم کرد. او مدعی شد که نیروهای ازبک بهتر و قوی‌تر از نیروهای نظامی دیگر کشورها در منطقه هستند. این سخنان را کریم‌اف در بازدیدی از مرزهایش با افغانستان انجام داد و ادامه داد، آنچه که در افغانستان می‌گذرد ناراحت‌کننده است؛ اما حکومت ازبکستان اوضاع را زیر نظر دارد و مصمم است که صلح و ثبات را در داخل و در خارج مورد حمایت جدی قرار دهد. او این نگرانی که طالبان در صدده حاکمیت بر مهد فرهنگ اسلامی در سمرقند و بخارا است را بی‌اعتبار خواند. رفتار ازبکستان در جریان تشنجات افغانستان اکنون تغییر کرده است. اگر تاشکند در گذشته حمایت از گروههای خاص و رقیب طالبان را داشت و به ژنرال دوستم ازبک کمک می‌کرد، امروز بیشتر سیاست اعتدال و بی‌طرفی را اتخاذ کرده است. قسمتهای شمال افغانستان که عمدتاً ازبک‌نشین هستند امروز به وسیله طالبان کنترل می‌شوند.

نماینده ازبکستان در یک گردهمایی اتحادیه کشورهای آسیای مرکزی در ۲۲ آگوست اعلام کرد که جنگ افغانستان یک مسئله داخلی افغانستان است. حتی احتمال شناسایی طالبان مشروط به هماهنگی با مسکو در این گردهمایی مطرح شد. یک منبع روسی این تغییر رفتار ازبکستان را به معنای پذیرش شرایط کنونی قدرت در افغانستان و صرف‌نظر کردن از سیاست حمایت از یک ازبکستان آزاد و قبول این حقیقت که طالبان شمال افغانستان را در



کنترل خود دارد، می‌داند. در مقابل، اظهارات آن منبع روس را در روزنامه «دیلی کمرسانت» در تاریخ ۱۴ اگوست ملاحظه می‌کنیم که طی خبری مدعی شده بود که نیروهای ازبکستان تحرکاتی را در دره پنجشیر داشته‌اند، منطقه‌ای که روزنامه خبری کاملاً اشتباه درباره آن منتشر کرده بود. یک روز بعد از انتشار این خبر معاون وزارت امور خارجه روسیه آقای پاستوچوف خبر درگیری و دخالت نیروهای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در افغانستان را تکذیب کرد. ترکمنستان در مقایسه با سایر کشورهای آسیای مرکزی مشترک‌المنافع کمترین نگرانی را از تحرکات طالبان دارد. آنچه که در همین تهاجم اخیر طالبان هم در ترکمنستان مطرح است موضوع پروژه گازرسانی از ترکمنستان به پاکستان و هند و پیدا کردن بازار انرژی است. این پروژه در قبال تحرکات اخیر آسیبی ندیده است و عشق‌آباد برای آن ارزش فراوانی قائل است و معتقد است که مسیر افغانستان یک مسیر اقتصادی مناسب و بدون اهداف سیاسی است.

سیاست خطوط لوله

همین پروژه گازرسانی از ترکمنستان به پاکستان از طریق خاک افغانستان در تحولات و تشنجات در افغانستان از سال ۱۹۹۶ از نظر سیاسی دارای اهمیت است و مورد توجه قدرتهای منطقه‌ای و جهانی است که نفوذ و منافع در این پروژه دارند. با این «بازی بزرگ» تشنجات افغانستان وارد مرحله جدیدی شده که به مسائل حوزه دریای خزر و ارتباطات و تدارکات صادرات آن و تغییراتی که در استراتژی جغرافیایی ایجاد می‌شود، مربوط است. احداث ۱۴۶۴ کیلومتر لوله گاز از دولت‌آباد در جنوب ترکمنستان تا مولتان در مرکز پاکستان که بیش از ۸۰۰ کیلومتر آن از افغانستان می‌گذرد، افغانستان را به یک راه مواصلاتی اروپا-آسیا تبدیل می‌کند و جاده قدیم ابریشم را به یک مسیر جدید مرتبط می‌کند و اهمیت بین‌المللی برای افغانستان پیدا می‌شود. افغانستان چه از جهت ترانزیت و چه از نظر اقتصادی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

در یک چنین توسعه‌ای هم پاکستانی‌ها دارای منافع هستند و هم آمریکایی‌ها و این در حالی است که ایران و روسیه از جمله کشورهایی هستند که از آن زیان می‌برند. احساس «تهدیدی از جنوب» و از دست دادن موقعیت استراتژیک و اقتصادی از جانب جناح جنوب



برای روسیه در هر صورت شرایط نامساعدی را به وجود آورده است. نگرانی از اسلام تهدیدکننده از یک طرف، زیانها و فشارها از جانب دیگر، در شرایطی که تعداد بازیکنان در قزاقستان، در آسیای مرکزی، و در اطراف و اکناف دریای خزر برای روسها فزونی یافته‌اند، البته منافع ملی روسها را تهدید می‌کنند. عامل اقتصادی خط لوله و عامل فرهنگی اسلام، این دو به‌عنوان دشمنان روسیه هستند. با یک چنین احساس و برداشتی که روسها دارند، عوامل آمریکا از یک طرف توطئه حضور طالبان را پی‌ریزی کرده‌اند تا صادرات کشورهای آسیای مرکزی که از هم پیمانان قدیمی روسیه بوده‌اند در مسیری دیگر انجام پذیرد و از طرف دیگر «مسیر روسیه» برای حمل و نقل مواد اولیه نواحی دریای خزر دقیقاً در همان مسیری باشد (شمال قزاقستان) که تندروهای وهابی در آن مسیر فعالیتهای پنهان قوی دارند. در اینجا است که وزیر امور خارجه چین «اودوگو» با طالبان روابط سیاسی برقرار می‌کند و اخطار می‌کند که این روابط را دیگران سیاسی نکنند و بخش شمالی قزاقستان را به جرگه درگیری‌های سیاسی نکشانند.

در چنین شرایطی که روسها «تهدید از جنوب» را جدی گرفته و به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست خودشان را در جنوب تقویت کنند، بزرگترین بحران مالی و سیاسی روسیه را فرا گرفته و بر مشکلات روسیه افزوده است.

شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی